

گفتگو

۱۴
در تاریخ هنر و معماری ایران زمین
فصلنامه، سال چهارم، شماره ۴ (شماره پیاپی ۱۴)
زمستان ۱۳۸۷

گولستان

در تاریخ هنر و معماری ایران زمین

فصلنامه، سال چهارم، شماره ۴ (شماره پیاپی ۱۴)، زمستان ۱۳۸۷
شاپا: ۳۸۹۰-۱۷۳۵
دارای اعتبار علمی- پژوهشی از نظر فرهنگستانهای چهارگانه جمهوری اسلامی ایران

صاحب امتیاز: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: میرحسین موسوی
سردبیر: مهرداد قیومی بیدهندی

اعضای هیئت تحریریه:
یعقوب آژند استاد دانشگاه تهران
زهرآهری استادیار دانشگاه شهید بهشتی
شهرام یازوکی دانشیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
اکبر حاجی ابراهیم زرگر استاد دانشگاه شهید بهشتی
سیدمهدی حسینی استاد دانشگاه هنر و عضو پیوسته فرهنگستان هنر
محمدرضا رحیمزاده استادیار دانشگاه شهید بهشتی
زهرارهنورد استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان هنر
مهرداد قیومی بیدهندی استادیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو وابسته فرهنگستان هنر
هایده لاله استادیار دانشگاه تهران
هادی ندیمی استاد دانشگاه شهید بهشتی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم

ویراستاران: ولی الله کاوسی، مهدی مقیسه
مترجم خلاصه انگلیسی: مریم قیومی
طراح جلد: سیدپارسا بهشتی شیرازی
امور دفتری: طیبه ایللیات

لیتوگرافی: فرارنگ
چاپ و صحافی: شادرنگ؛ کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج،
بعد از چهارراه ایران خودرو، خ ۴۹، ک دوم، ش ۸،
تلفن: ۴۴۱۹۴۴۲

نشانی دفتر مجله: تهران، خ ولی عصر (ع)، جنب پارک ساعی، ش ۱۱۰۵،
کد پستی ۱۵۱۱۹۱۳۵۱۱
تلفن و دورنگار: ۸۸۷۲۸۱۵۲
نشانی شبکه: www.honar.ac.ir/golestanehonar.htm
پست الکترونیکی سردبیر: Qayyoomi@eah.org

- سیدمحسن حبیبی، رعناسادات حبیبی ♦ صورخیالِ مکتب شهرسازی اصفهان در نگاره‌ها ♦ ۵
- امیرحسین کریمی، پرویز هلاکویی ♦ معماری و تزیینات بنای پیرحمزه سبزویش ابرکوه
و بررسی انتساب آن به آرامگاه عزیزالدین نسفی ♦ ۱۸
- علمدار حاجی محمدعلیان ♦ محوطه تاریخی سپزوی نایین ♦ ۳۰
- محسن جاوری ♦ یافته‌های تازه در میدان عتیق اصفهان ♦ ۳۵
- هایدی والشیر ♦ در میانه فردوس و دارالسلطنه: نشانه‌شناسی اصفهان صفوی ♦ ترجمه اردشیر اشراقی ♦ ۴۰
- نزار الضیاد ♦ مدل‌سازی شهرهای سنتی اسلامی ♦ ترجمه مریم قیومی ♦ ۵۵
- رابرت هیلنبرند ♦ جنبه‌های معماری تیموری در آسیای میانه ♦ ترجمه داود طبایی ♦ ۶۵
- ساناز رنجی، حسین سرپولکی ♦ سیر تحول لعاب سالادون ♦ ۸۳
- آگ گرابار ♦ تأملی در هنر قاجاری و اهمیت آن ♦ ترجمه ولی‌الله کاوسی ♦ ۹۵
- ولادیمیر مینورسکی ♦ عوامل جغرافیایی در هنر ایرانی ♦ ترجمه داود طبایی ♦ ۹۹
- هاشم بناءپور ♦ بررسی کتاب: تاریخچه تقویمی هنر و معماری اسلامی ♦ ۱۱۹

◆ گلستان هنر فصلنامه‌ای است پژوهشی در زمینه تاریخ هنر و مطالعات تاریخی هنر و معماری حوزه تمدنی ایران بزرگ، که در هر فصل منتشر می‌شود.

◆ برای اطلاع از ضوابط تنظیم مقاله به این نشانی مراجعه کنید:
http://www.honar.ac.ir/golestanehonar.htm

◆ گلستان هنر در این موضوعها مقاله می‌پذیرد:

مبانی نظری تاریخ هنر، روشهای تاریخ‌نویسی هنر، منابع تاریخ هنر ایران، مطالعات تاریخی موارث هنری حوزه تمدنی ایران بزرگ (جهان ایرانی)، مطالعات تاریخی هنرهای معاصر ایران، نقد و بررسی کتاب و مقاله، معرفی کتاب.

◆ مقاله خود را به یکی از این نشانیها بفرستید:

۱. Qayyoomi@eiah.org

۲. دورنگار: ۸۸ ۷۲ ۸۱ ۵۲

۳. با پست سفارشی یا پوینتاز به نشانی:

تهران، خ. ولی عصر(ع)، جنب پارک ساعی، ش ۱۱۰۵،

کد پستی ۱۵ ۱۱۹ ۱۳ ۵۱۱

◆ پاسخ داوری هر مقاله حداکثر ۶۰ روز پس از وصول به دفتر مجله از طریق پست الکترونیکی یا دورنگار به صاحب مقاله اعلام می‌شود.

کوتاه نوشتهها و نشانهها

A.D.	پ	صفحه پشت (در نسخه خطی / عکسی)
B.C.	ت	تصویر؛ شکل؛ نمودار؛ جدول
c.	ج	جلد
ch.	چ	نوبت چاپ
ed.	ح	در حدود
eds.	حک	حکومت
f.	ر	صفحه رو (در نسخه خطی / عکسی)
ff.	ر-پ	صفحه رو و پشت (در نسخه خطی / عکسی)
fig.	س	سطر
figs.	سم	سانتی‌متر
ibid.	ش	شماره (قبل از عدد)؛ هجری شمسی (بعد از عدد)
ibid.	ص	صفحه؛ صفحات
idem.	(ص)	صلی الله علیه و آله
idem.	(ع)	علیه السلام؛ علیها السلام؛ علیهما السلام؛ علیهم السلام
no.	ف	فوت
nos.	ق	هجری قمری (بعد از عدد)
op. cit.	قس	قیاس کنید با
op. cit.	ق م	قبل از میلاد مسیح (بعد از عدد)
p.	گ	برگ
pp.	م	میلادی (بعد از عدد)
pl.	م م	میلی‌متر
pls.	— م.	مترجم
r.	نک:	نگاه کنید به؛ رجوع کنید به
transl.	و	ولادت
v.	— و.	ویراستار
vol.	همان	همان مؤلف، همان اثر (در پی‌نوشت، در ارجاع مکرر به اثری که نشانی آن بلافاصله در قبل آمده باشد)؛ (در کنار نام مؤلف) همان اثر (در پی‌نوشت، در ارجاع مکرر به اثری که نشانی آن با فاصله در قبل آمده باشد)
vols.	همان جا	همان مؤلف، همان اثر، همان جلد، همان صفحه (در پی‌نوشت، در ارجاع مکرر به اثری که نشانی آن بلافاصله در قبل آمده باشد)
	همو	همان مؤلف، اثر دیگر (در پی‌نوشت، در ارجاع به اثر دیگری از مؤلفی که نام او بلافاصله در قبل آمده باشد)
	/	یا؛ جداکننده دو مصرع از یک بیت
	[]	مشخص‌کننده اضافات مؤلف یا مترجم یا ویراستار به متن منقول (اعم از تألیف و ترجمه و تصحیح)
	{ }	مشخص‌کننده اضافات مؤلف یا مترجم یا مصحح اول در مطالب نقل در نقل
	_____	تکرار نام مؤلف (در کتاب‌نامه)

مدل سازی شهرهای سنتی اسلامی^۱

ترجمهٔ مریم قیومی

شهرهای اسلامی طی چند دههٔ اخیر موضوع مطالعات مهمی بوده است. این شهرها را معمولاً با عباراتی نظیر اندام وار^(۱)، نامنظم و پرهرج و مرج^(۲)، با خیابانهای پیچاپیچ، بدون میدانها رسمی، بدون توجه به هندسه، و در تقابل با نظم شهری توصیف می‌کنند. با اینکه ممکن است این بیان توصیفی منصفانه از برخی شهرهای اسلامی باشد، تنها در صورتی می‌توان آن را توجیه کرد یا فهمید که در زمینهٔ تاریخی وسیع‌تری قرار گیرد. مثلاً تلاش برای بازسازی تصویری سالهای اولیهٔ برخی از معروف‌ترین شهرهای راست‌گوشهٔ اسلامی-عربی، امکان‌پذیر است. شهرهای شطرنجی مانند دمشق، که صورت اصلی آنها به ریشه‌های رومی-یونانی بازمی‌گردد، و شهرهای طراحی‌شده مانند قاهره که به صورت شبکهٔ هندسی منظمی بنا شد تا خلیفهٔ جدید و اطرافیان‌ش در آن مستقر شوند، نمونه‌های خوبی از سیر تحول شهرهای اسلامی است.

در غیاب اطلاعات باستان‌شناختی تفصیلی، مورخان شهر و معماری مجبور به رجوع به توصیفهای متون بوده‌اند تا صورت شهری اولیهٔ این شهرها را بازسازی کنند. تاریخ‌نامه‌های عربی که هم‌زمان با گسترش اسلام نوشته شده غنی‌ترین منبع تاریخ شهرهای اسلامی است. برای برآوردن اهداف این مقاله تقریباً منحصرأ به این تاریخ‌نامه‌ها استناد می‌کنم تا طرح کلی بازسازیهای گوناگون بصری قاهره و دمشق را در مراحل اولیهٔ رشدشان نشان دهم. به این منظور، عمدتاً بر نمودارهای متداول شکل-زمینه^(۳)، اتصال، و مکان به عنوان روشی برای تحلیل رابطهٔ میان کاربری زمین و الگوهای فعالیت و تسهیلات بنیادی تکیه خواهیم کرد. از ماکت گلی نیز برای تحلیل روابط فضاهای پر و خالی و طرحهای کالبدی و الگوهای مسیر گردش استفاده خواهیم کرد. از شبیه‌سازی رایانه‌ای نیز، که در آن از فنون تصاویر متحرک پیشرفته استفاده می‌شود، به منظور ارائهٔ حالت‌های مختلف بازسازی تصویری شهرها و نیز برای بررسی سیر تحول بهره خواهیم گرفت.

دمشق

شهر دمشق در طول تاریخش پیوسته پیشرفت کرده است. اولین ذکر این شهر از هنگامی است که پایتخت پادشاهی آرامی کوچکی در قرن یازدهم قبل از میلاد بود. فتح

برای فهم بهتر شهرهای اسلامی، باید آنها را در زمینهٔ تاریخی وسیع‌تری بررسی کرد. بازسازی تصویری شهرها در مقاطع تاریخی گوناگون و ساختن نمونک واقعی و رایانه‌ای برای این شناخت مفید است. در غیاب اطلاعات باستان‌شناختی برای این بازسازیها، مورخان شهر و معماری ناگزیر باید به تاریخ‌نامه‌ها استناد کنند. از جمله کارهایی که در این زمینه شده است، بازسازی سیر تحول دمشق و قاهره، یکی در زمان امویان و دیگری در زمان فاطمیان، است.

دمشق که پایتخت یک کشور کوچک آرامی بود، پس از سلطهٔ اسکندر و سپس رومیان، کلان‌شهر یونانی-رومی و بعدها به شهری بیزانسی بدل شد. مسلمانان که شهر را تصرف کردند، به‌رغم ایجاد تحول اساسی فرهنگی در شهر، دست‌کم تا هنگامی که بنی‌امیه آن را پایتخت خود ساختند، ساختار و تصویر عمومی آن را دگرگون نکردند.

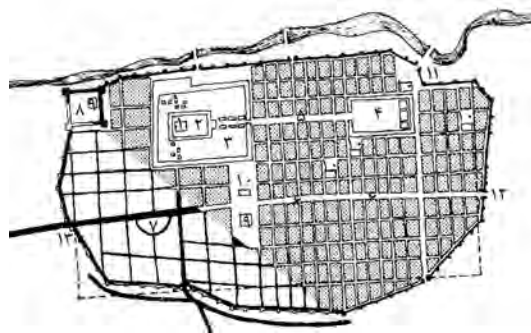
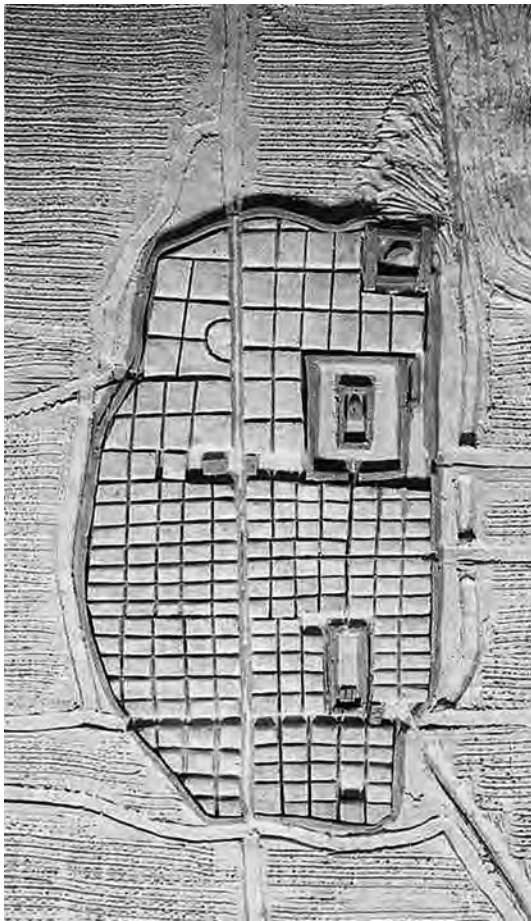
فاطمیان در مصر به پایتختی نیاز داشتند که با بغداد هم‌اوردی کند و مرکز فکری و دینی جهان اسلام باشد. جوهر، سردار خلیفه المعز لدین الله، شهر جدید قاهره را در شمال شهر قدیم فسطاط و به موازات نیل بنا کرد. الگوی این شهر مستطیل و شامل بارو و دروازه‌ها، کاخ خلیفه، مسجد، میدانها، املاک لشکریان، و بستانهای موجود از قبل بود. کاخ خلافت با میدانها و باغهایی از محیط پیرامونش و از جنوب با ریحبه‌ای از مسجد جامع جدا می‌شد که خلیفه المعز اولین نماز جمعه را در آن امامت کرد. تصویر کلی قاهره در دورهٔ المعز، با شبکهٔ منظمی از خیابانهای عرض و میدانهای باز، با تصویر قالبی شهر اسلامی بسیار متفاوت است. العزیز پسر المعز نیز بعد از او سازندگی‌هایش را با بناهایی چون قصرالبحر و مسجد حکیم ادامه داد. بدرالجمالی وزیر شهر را با استفاده از سنگهای معابد مصر باستان نو کرد و گسترش داد.

فهم صحیح و کامل تاریخ شهرهای اسلامی نیازمند ایجاد پایگاه اطلاعات تاریخی همراه با تصاویر و شبیه‌سازیهای رایانه‌ای است تا از این راه، بانی جدید را در تاریخ صورت شهر گشوده شود.

(1) organic

(2) anarchic

(3) figure-ground



ت ۱. (چپ) بازسازی دمشق قبل از فتح آن به دست عربیان، با نمونک گلی

ت ۲. (راست، بالا) بازسازی رایانه‌ای دمشق پیش از اسلام

ت ۳. (راست، پایین) نقشه دمشق بیزانسی در ابتدای قرن هفتم میلادی، پیش از فتح آن به دست عرب (بر طبق نظر سوزاوه، نیلسنیف، تاریخ‌نامه‌های عربی) ۱) معبد ژوپیتر بدل شده به کلیسای جناب یوحنا، ۲) محوطه معبد (تمنوس)، ۳) محوطه پیرامون معبد (پریبولوس) با حجره‌های افزوده بدان، ۴) میدان یونانی (آگورا) که به میدان رومی (فوروم) حجره‌داری بدل شده است، ۵) خیابان رواق‌دار، ۶) خیابان شرقی-غربی رومی (دکومانوس) که بعداً خیابان مستقیم نام گرفت، ۷) نمایش‌خانه که به انبار مبدل شد، ۸) قلعه، ۹) کاخ بیزانسی، ۱۰) کلیسای بیزانسی، ۱۱) دروازه توما، ۱۲) دروازه شرقی، ۱۳) دروازه الجلیبیه

(4) form
(5) Agora
(6) Hadrian
(7) Decumanus
(8) Forum
(9) The Thomas Gate
(10) St. John the Baptist
(11) the straight

دمشق به دست اسکندر در سال ۳۳۳ ق.م، حادثه‌ای مهم برای صورت^(۴) شهری دمشق است. مشخصه طرح این شهر شامل معبد ژوپیتر، آگورا^(۵)، شبکه‌ای یکپارچه و بلوکهای کوچک خانه‌ها در قطعات زمین با ابعاد معین می‌شد (ت ۱). سپس در قرن اول قبل از میلاد، دمشق تحت سلطه رومیها درآمد و با شروع قرن دوم میلادی، تحت سلطه هادریان^(۶)، به یک کلان‌شهر بدل شد. دو خیابان ستون‌بندی‌شده بزرگ بر طرح رومی غالب بود. اولی، مانند دکومانوس^(۷) در شهرهای رومی، با طاقهای رومی متعددی از شرق شهر به غرب آن کشیده می‌شد. دومی، جاده قدیمی هم‌جوار معابد و آگورا بود (که به فوروم^(۸) تغییر یافت). دژی نیز در گوشه شمال شرقی شهر ساخته شد. رومیها به شهر صورت مستطیلی با ابعاد ۱۵۰×۲۲۵م دادند. بارویی با هفت دروازه، شهر را احاطه می‌کرد: دروازه شرقی، دروازه الجلیبیه^(۹) به غرب، سه دروازه به شمال که شامل دروازه توما^(۱۰) در شمال شرقی و دو دروازه به جنوب می‌شد (ت ۲ و ۳).

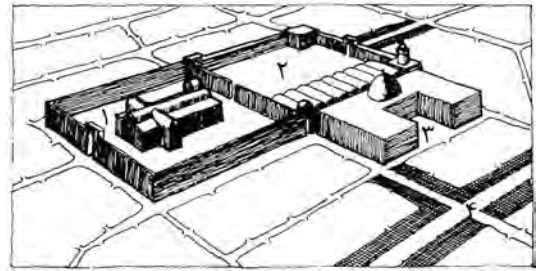
در سال ۳۹۵ م، دمشق قسمتی از امپراتوری بیزانس و ساختن کلیساها در آن آغاز شد. معبد ژوپیتر،

که در آن زمان متروک بود، بازسازی شد و به کلیسایی تغییر یافت که وقف یوحنا تعمیردهنده^(۱۰) شد. تپه‌های غربی شهر (که بعدها درون باروی رومی واقع شد) علاوه بر دژ، کاخ بیزانسی را در بر داشت (ت ۴).

هنگامی که دمشق به دست عربها افتاد، ضعف عمومی مراجع دولتی منجر به نادیده گرفتن ضوابط ساخت‌وساز شد و نظم کالبدی در شهر شروع به تلاشی کرد. با این حال، اگرچه به حریم خیابانها تعرضاتی شده بود؛ هنوز شبکه کارآ و قابل تشخیص بود. به نظر می‌رسد نظم شهر عربها را بسیار تحت تأثیر قرار داده بود، خصوصاً دکومانوس طویلش که آن را «مستقیم»^(۱۱) می‌خواندند، و این عنوان را تقریباً به مدت ده قرن به کار بردند.

اساساً سلطه عربها چندان تأثیری بر دمشق نگذاشت؛ چندین گروه از جمعیت یونانی‌زبان از شهر گریختند و بسیاری از املاک ره‌اشده‌شان را عربهایی که به آنجا می‌آمدند تصرف کردند.

در تاریخ‌نامه‌ها درباره مفاد عهدنامه امضاشده میان

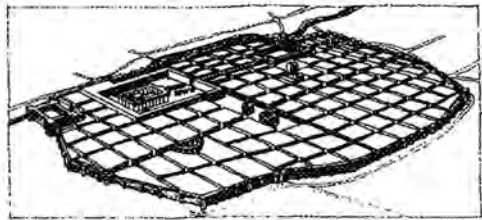


عربها و مسیحیان داستانهای بسیاری نقل شده است؛ مثلاً بلاذری از واقدی، که می‌گویند متن عهدنامه‌ای را که خالد امضا کرده بوده (که خود محل بحث است) دیده است نقل کرده که در این عهدنامه هیچ اشاره‌ای به تقسیم خانه‌ها یا کلیساها [با مسلمانان] نشده است.^۷ محققان بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که جزئیات واقعه اشغال دمشق حاصل نظام مستندسازی تاریخ به دست نسلهای بعدی مفتیان و علماست که به دنبال توجیه حادثه بوده‌اند.

چه بر اثر تخلیه داوطلبانه و چه سلب مالکیت، عربهای مسلمان به تدریج در خانه‌های خالی دمشق ساکن شدند. اگرچه اطلاعاتمان در مورد محل دقیق زندگی عربها بسیار کم است، این را می‌دانیم که آنها هیچ محله خاصی بنا ننهاده‌اند. به نظر می‌رسد فرماندهان پادگانهای مختلف تعدادی خانه خالی را در محلهای گوناگون تصرف کرده باشند.

شاید مهم‌ترین ماجرای تاریخی در تغییر صورت دمشق در دوره عربها مربوط به مسجد آن باشد. بدیهی است محلی که عربها برگزیدند محل قبلی کلیسای یوحنا تعمیددهنده بود. ابن جبیر معتقد است که مسلمانان کنیسه یا کلیسا را به دو بخش تقسیم و نیمه شرقی آن را تصرف کردند؛ ولی محققان بسیاری این مطلب را رد کرده‌اند. برخی چنین رابطه‌ای را ناممکن دانسته‌اند؛ برخی دیگر این سردرگمی را به خطایی در ترجمه نسبت می‌دهند. کرسول^(۱۲) این‌طور نتیجه‌گیری کرده است که مسلمانان صرفاً نیمه شرقی معبد قدیمی یا تمنوس^(۱۳) را تصرف کردند که خارج از بنای کلیسا بود (ت ۵).

ظاهراً توضیح کرسول با تعهد مسیحیان در عهدنامه‌شان با عربها مطابقت دارد. ولی مسلمانان چگونه در این فضا، پیش‌محوطه کلیسا^(۱۴)، که بیرون کلیسا بود نماز می‌گزارند؟ و بزرگیهای کالدی و عملکردی آن چه بود؟ آیا هیچ‌یک از بخشهای آن سرپوشیده بود؟ و احتمالاً چه رابطه‌ای با قبله داشت؟ در اندکی از تاریخ‌نامه‌ها به مسجد

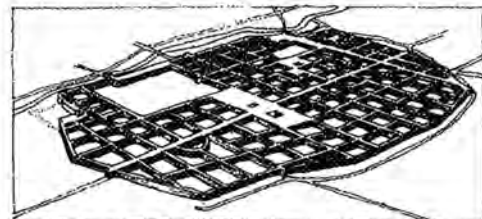


صورت شهری دمشق پیش از اسلام



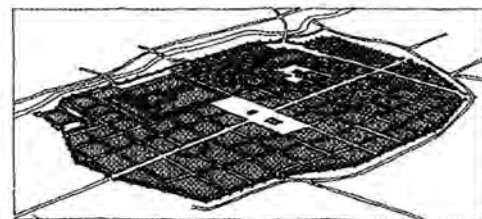
کاربری و فعالیت (الگو امکان)

صورت عملکردی



ساختار (رابطه فضایی)

صورت کالدی



انتظام کالدی

مجاور کلیسای دمشق «مصلا» گفته‌اند. این اصطلاح اولین بار در مدینه به کار رفت، و مکانی خارج از شهر را شامل می‌شد که مسلمانان برای نماز عید در آنجا جمع می‌شدند. بعدها بنایی در مصلاي مدینه ساختند. امکان دارد چنین جریانی در دمشق رخ داده باشد، که در آن، عمل ساختن به تنهایی تداوم بخش تأثیرات عربی یا اسلامی بر این شهر نبوده است.

سرگذشت مسجد تنها یکی از ماجراهای تاریخ تصرف دمشق است، اما نمونه خوبی است. عربها با هر نوع بنای دیگری که تصرف کردند رفتاری متفاوت نداشتند و در دمشق یا اصلاً تغییری ساختاری رخ نداد یا بسیار ناچیز بود—دست‌کم تا زمانی که بنی‌امیه در سال [۴۱ق/۶۶۱م] آن را به عنوان پایتخت خود برگزیدند.

در زمان معاویه، دمشق پایتخت خلافت بنی‌امیه شد. معاویه با ساختمان‌سازی بر مبنای تجارب قبلی‌اش در سمت والی شام و با پیروی از الگوی بیزانسی موجود،

ت ۴. (چپ) تحلیل صورت شهری دمشق پیش از اسلام

ت ۵. (راست)

بازسازی‌ای از دمشق، کلیسای جناب یوحنا و کاخ معاویه (طبق گفته ابن عساکر)

(۱) کلیسای جناب یوحنا

(۲) مسجد اموی

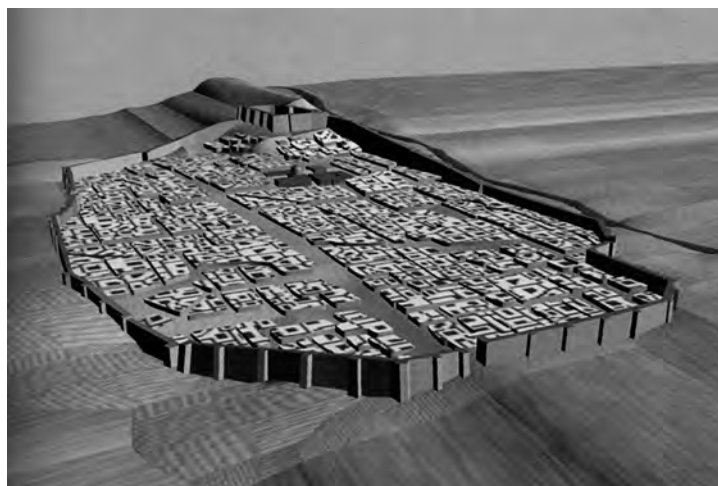
(۳) کاخ الحضر

(۴) تمارنگاه / رواق که به بازار بدل شد

(12) K. A. C. Creswell

(13) Temenos

(14) Parvis



ت ۶. (چپ) بازسازی دمشق دوران اسلامی با نمونک گیلی

ت ۷. (راست) بازسازی رایانه‌ای دمشق دوران اسلامی

سازمانهای دیوانی دمشق را بنیاد نهاد؛ تحت فرمان او رنگ‌وبوی مدیترانه‌ای بر حال‌وهوای صحرائی اسلام غلبه کرد. معاویه در امر خلافت دخل و تصرف کرد؛ و از همان آغاز کار پیداست که قصد داشته است آن را به سلطنت تغییر دهد. اگرچه فقهای صدر اسلام سلطنت را غیراسلامی تلقی می‌کردند و عربهای تحت سلطه معاویه از عنوان «ملک» نفرت داشتند؛ معاویه دست از برنامه‌هایش برای ایجاد سلسله‌ای برداشت که بتواند با سلسله‌های اروپایی رقابت کند.

زمانی که معاویه والی شام بود، در یکی از کاخهای بیزانسی قدیمی شهر زندگی می‌کرد. چند سال پس از رسیدن به خلافت، کاخی برای خود ساخت. کاخ معاویه الخضراء یا «کاخ سبز» نامیده می‌شد؛ گویا بدین سبب که گنبد سبز بزرگی داشت. به گفته ابن عساکر، کاخ را با آجر ساخته بودند و در جوار دیوار جنوبی مسجد در جهت قبله قرار داشت. در نمونه‌ای قدیمی‌تر در کوفه و بصره نیز برای استفاده از سمت قبله مسجد چنین ارتباطی بین مسجد و دارالاماره وجود دارد.

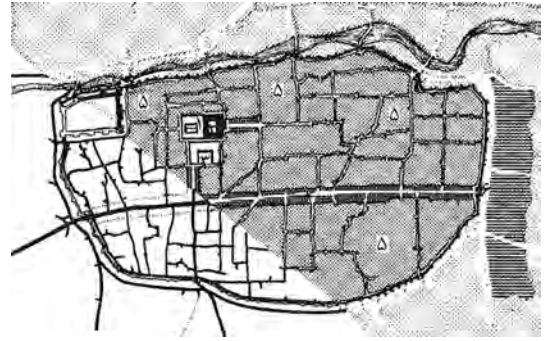
بعید است که این رابطه در دمشق تصادفی بوده باشد؛ ولی پی‌جویی چنین پیشینه‌ای برای آن با اثبات اینکه معاویه سعی در تکرار الگویی داشته که قبلاً دیده بوده دشوار است. طبق گفته ابن عساکر، می‌دانیم که آن کاخ در زمان حکومت معاویه تغییرات متعددی کرد. او می‌گوید سفیر بیزانس در دمشق با دیدن کاخ گفت که «این کاخ نیست؛ زیرا بالای آن برای پرندگان و پایشش برای آتش است».^۹ گویا این سخن موجب شد معاویه به کاخ وسعت بخشد و آن را با سنگ بازسازی کند.

(15) Elisseeff

(16) Jean Sauvaget

ظاهراً در کاخ معاویه، دو بخش متمایز وجود داشت: محل سکونت خانواده او، و دربارش. شاید عنوان «کاخ سبز» به کل مجموعه بنایی اداری اطلاق شده باشد که خانه معاویه تنها بخشی از آن بود. بیلیسیف^(۱۵) حتی بر این باور است که «کاخ سبز» صرفاً تغییر یافته کاخ بیزانسی قبلی بوده است. ولی حتی اگر این باور درست باشد، نباید از اهمیت تلقی مسجد و بارگاه خلافت به منزله نماد اتحاد حکومت و دین در قدرت رو به رشد اسلام بکااهد.

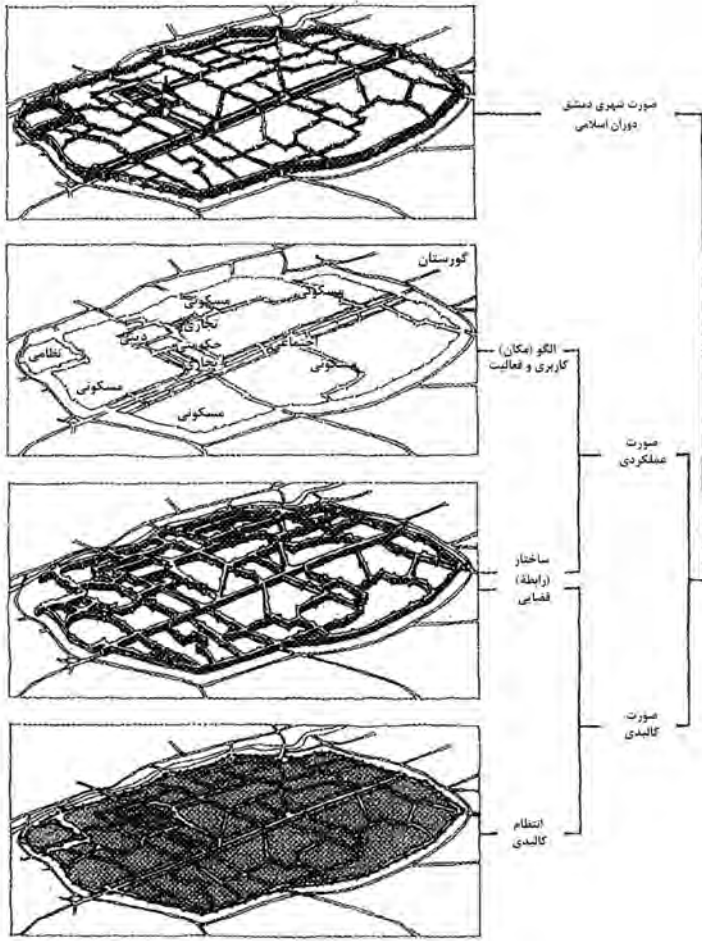
اگرچه دمشق پایتخت حکومت معاویه بود، صورت کالبدی یا زندگی روزانه این شهر تغییر بسیاری نکرد. زبان یونانی زبان دیوانی باقی ماند و تصویر عمومی شهر، به‌رغم تحول اساسی فرهنگی، تغییری نکرد. ادعای نامعقول بودن خیابانهای دمشق و سازمان فضایی آن موضوع مجادلات فراوان بوده است (ت ۶ و ۷). عقیده رایج میان محققان این است که نامنظم بودن خیابانها تجلی برخی مقررات هرج‌ومرج طلبانه است که ریشه در نظام شهری اسلامی دارد. اساساً این دیدگاه را ژان سواژه^(۱۶)



حمایت می‌شد؛ کسی که تلاشهایش برای بازسازی طرح یونانی- رومی دمشق و حلب او را به این نتیجه سوق داد که نظم خیابانهای آنها تا دوره اسلامی حفظ شده، ولی تحت تأثیر عربها از بین رفته است (ت ۸ و ۹).
 به هر حال، دوپلانول^(۱۷) این عقیده را رواج داد و همه شهرهای اسلامی را به منزله شهرهایی که هیچ نظمی ندارند، بدنام کرد. او معتقد بود که «دین اسلام به نفی نظم شهری می‌انجامد». با این حال، فون گرونباورن^(۱۸) بعدها گفت که تلاشی شبکه شطرنجی معابر دمشق هم‌زمان با قرن دوم میلادی شروع شده بود، و این تغییر را به ضعف مراجع دولتی مربوط می‌دانست. اگرچه این نظر تا حدی صحیح است، دانستن اینکه دقیقاً چه زمانی این تغییر کامل شد و اینکه کدام نیروها باعث ایجاد آن شد، دشوار است. آنچه می‌دانیم این است که تصویر عمومی شهر با سلطه عربها تغییر ماهوی نیافت و هر گونه تغییری که در خیابانهایش واقع می‌شد بخشی از جریانی پیش‌رونده بود.

قاهره

پس از تلاشهای متوالی، جنبش فاطمیان نیروی کافی برای فتح مصر به دست آورد و تقریباً بلافاصله، جوهر، سردار ۱۰ خلیفه فاطمیان، شروع به جستجوی مکانی برای استقرار لشکر خود کرد. طبق دست‌کم یک روایت، او در فکر ایجاد پایتختی جدید بود که خلیفه المعز به منزله سریر خلافتش و هم‌اوردی برای بغداد در نظر داشت. از آنجا که جوهر مجبور بود طرح از پیش مشخصش را در این منطقه تکه تکه پیاده کند، شهر جدید را در تنها مکانی که برایش ممکن بود، در شمال سکونتگاههای موجود بنا کرد. از این منظر، قاهره نیز پیرو الگوی از پیش موجود شهرهایی است که موازی نیل ساخته شده بود. اولین اقدام جوهر



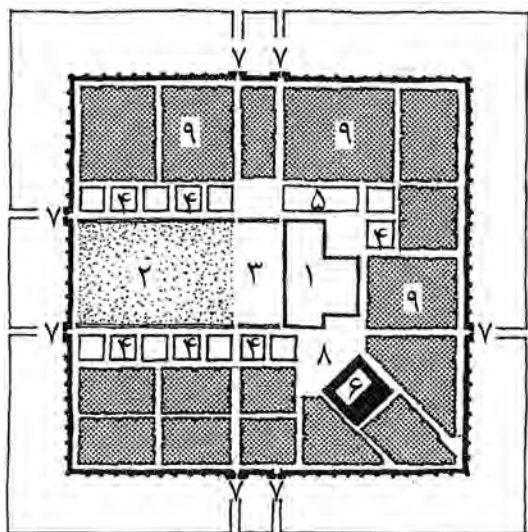
ساختن باروی شهر، مشخص کردن مکان دروازه‌ها، و آغاز ساخت دو بنای اصلی، یعنی کاخ خلیفه و مسجد، بود. بنا بر افسانه‌ها، روز بعد هنگامی که گروهی نماینده از فسطاط برای خوشامدگویی به نزد جوهر رفتند، دریافتند که پی کل شهر را به تازگی کنده‌اند. در تاریخ‌نامه‌ها هیچ سخنی از معماران یا سازندگان شهر نرفته است؛ و از اینجا می‌توان احتمال داد که سپاه او شامل افرادی با چنین مهارت‌های ویژه‌ای بوده است.

مقریزی مورخ نامدار قاهره، می‌گوید جوهر اساساً شهر را به صورت مربعی به ضلع ۱۰۹۷ متر/۱۲۰۰ یارد طراحی کرد. این در مجموع مساحتی معادل با ۱۳۸ هکتار/۳۴۰ جریب فرنگی را شامل می‌شود که ۲۸ هکتار/۷۰ جریب آن به کاخ خلیفه، و ۷۰ جریب از بقیه به باغهای موجود بستان کافوری و میدانهای جدید یا رجه اختصاص یافت. مساحت باقی‌مانده با عنوان خطه به ۲۰ گروه متفاوت واگذار شد که سپاه را تشکیل

- ت ۸. (راست) نقشه دمشق دوران اسلامی (بر طبق المنجد)
- ۱) کلیسای جناب یوحنا
- ۲) مسجد اموی
- ۳) کاخ الخضر
- ۴) تجارتگاه / رواق
- ۵) محله مسکونی
- ۶) گورستانها
- ت ۹. (چپ) تحلیل صورت شهری دمشق دوران اسلامی

(17) X. de Planhol

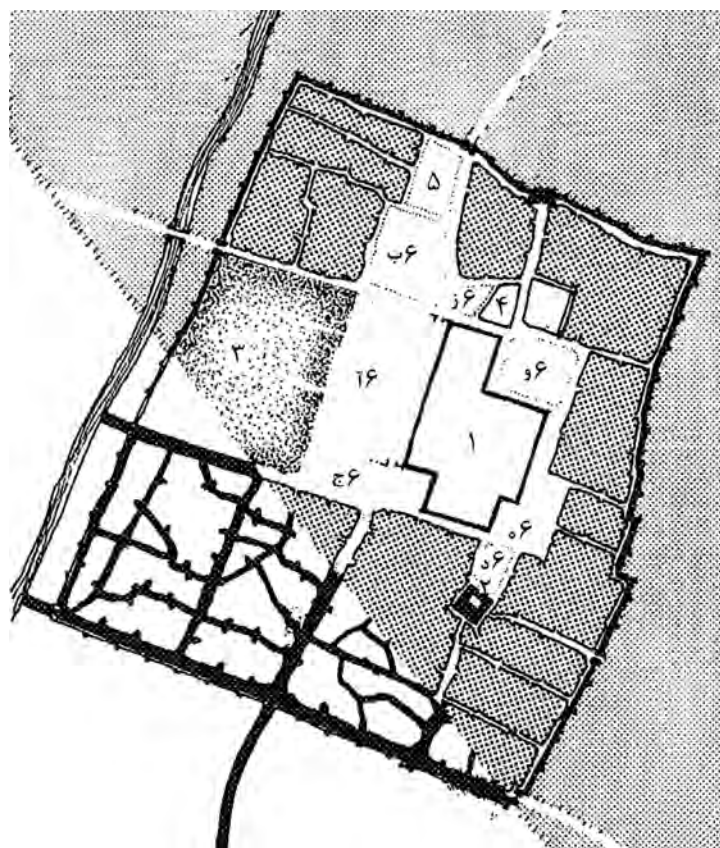
(18) Von Grunebaurn



و فرمان داد آنها را در محلی نزدیک کاخش دفن کنند. خلیفه با ورودش به شهر اولین نماز جماعت را امامت کرد، تا قاهره را به جهتی سوق دهد که در سالهای آتی پایتخت فکری و دینی جهان اسلام شود.

توصیف مقریزی از عناصر گوناگون شهری‌ای که شهر فاطمیان را شکل می‌داد، از ۲۰۰ صفحه تجاوز می‌کند، و بسیاری از این مقدار را به کاخهای آن اختصاص داده است. او می‌گوید که جوهر و قوایش در جنوب محل قاهره اردو زدند و فوراً ساخت باروهای شهر را آغاز کردند. مقریزی همچنین می‌گوید جوهر هم‌زمان ساخت کاخ اصلی را در سال [۳۵۸ق/۹۶۹م شروع کرد (ت ۱۱ و ۱۲). ضلع غربی کاخ با میدان مرکزی هم‌مرز بود، که بعدها با الحاق کاخ خلافت دیگری به سمت غرب محصور شد. مبارک می‌گوید که میدان محلی بود که خلیفه در آنجا عرض لشکر می‌دید و ۱۰۰۰۰ لشکری را اسکان می‌داد. در قاهره، مانند بغداد که اولین پایتخت طراحی‌شده اسلامی بود، کاخ خلافت با میدانش و باغهایی از محیط پیرامونش جدا می‌شد. در غربش، بستان کافوری قرار داشت؛ باغ وسیعی که در طی دوره آل اخشید^{۱۱} برای تفریح ایجاد شد. این باغ با دیوار محصور شده بود و از طریق گذرگاههای زیرزمینی به کاخ خلافت متصل بود، و در روزهای نخست، به خلیفه و خانواده‌اش اختصاص داشت. رجه‌ها کاخ خلافت را از دارالضیافه و خطة البرقیة، به ترتیب از شمال و شرق جدا می‌کرد.

در حالی که ساخت کاخ ادامه داشت، جوهر ساخت مسجد جامعی را در جنوب کاخ آغاز کرد که با



می‌دادند (ت ۱۰).

مقریزی همچنین می‌گوید که جوهر آن‌قدر عجله داشت که به لشکریانش دستور داد همه شب جمعه را کار کنند، و بامداد فهمید که طرح با اندکی انحراف از شکل مستطیلی اجرا شده است. سپس تصمیم گرفت آن را اصلاح نکند، و گفت «این مکان در شبی مقدس طراحی شده و نامنظم بودنش حتماً حکمتی الهی دارد» (ت ۱۳). اینکه برخی از محققان معتقدند این طرح در طی اجرا از شکل مربع اصلی‌اش به مستطیل تحریف شده است بعید می‌نماید. نسبت اضلاع طرح اجراشده ۲ به ۳ است، که وقوع تصادفی‌اش ناممکن است.

خلیفه المعزالدین‌الله چهار سال پس از فتح به شهر جدید وارد شد و آن را پایتخت خلافت خود اعلام کرد. سپس اسم آن را به قاهره تغییر داد، که به معنای «مقهورکننده» است. بعدها مسافران ایتالیایی این اسم را به اسم انگلیسی فعلی آن، کایرو^(۱۹)، تحریف کردند.

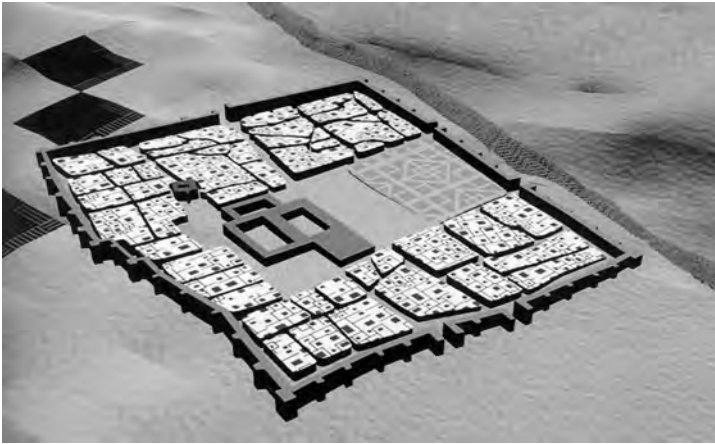
خلیفه المعز از ابتدا قصد ایجاد پایتخت باشکوهی را داشت که حسی تاریخی همراه داشته باشد. او از تونس سه تابوت با خود آورد که حاوی اجساد اسلافش بود

ت ۱۰. (چپ) نقشه اصلی قاهره مطابق تصویری که جوهر به‌دست داده (بازسازی بر طبق توصیف مقریزی از نقشه شهر) (۱) دارالخلافه، (۲) باغ، (۳) میدان، (۴) کاخهای سلطنتی، (۵) دارالضیافه، (۶) مسجد، (۷) دروازه‌ها، (۸) رجه، (۹) محله‌های مسکونی

ت ۱۳. (راست) بازسازی نقشه قاهره آن‌چنان‌که در محل اجرا شد (طبق نقشه انجمن جغرافیای مصر در سال ۱۹۲۲)

(۱) کاخ خلیفه، (۲) مسجد الازهر (۳) باغ-کاخها (بستان کافوری)، (۴) دارالضیافه، (۵) اصطبلها، (۶) میدانش: الف) میدان خلافت (میدان الکبیر)، ب) میدان اخشید، ج) رجه القصر، د) رجه الازهر، ه) قصر الشوک، و) رجه العید، ز) دارالضیافه

(19) Cairo

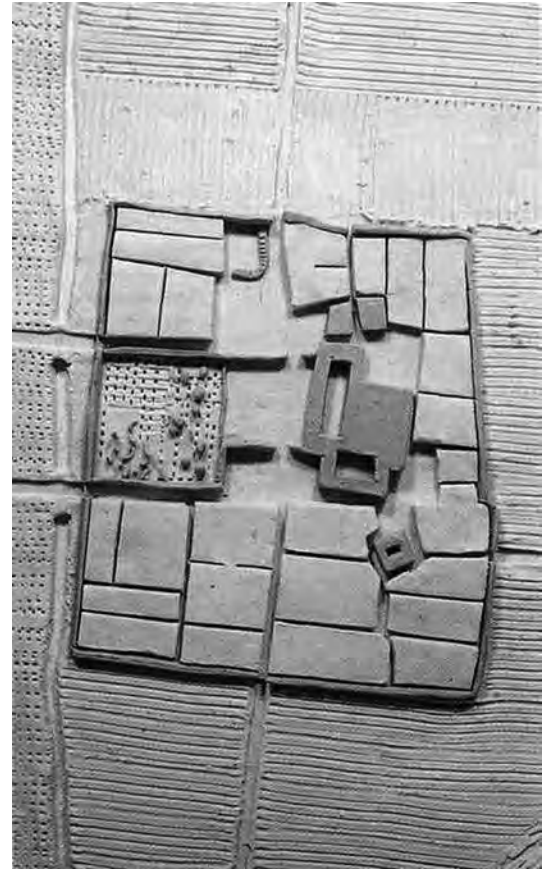


ت ۱۱. (راست)
بازسازی قاهره اوایل
دوره فاطمیان با نمونک
گلی

ت ۱۲. (چپ) بازسازی
قاهره اوایل دوره
فاطمیان با نمونک
رایانه‌ای

تاریخ‌نامه‌ها اشاره‌ای به چنین فعالیت‌ی نشده است؛ هر چند که احتمال دارد قاهره در روزهای آغازینش دارای انبارها و بازارهای محلی کوچکی بوده باشد، زیرا در غیر این صورت، خروج از شهر به منظور خرید روزانه برای شهروندان بسیار دشوار می‌شده است. وقتی قاهره بزرگ‌تر شد و رابطه‌ای متوازن با شهر دوقلویش فسطاط ایجاد کرد، این وضعیت تغییر یافت.

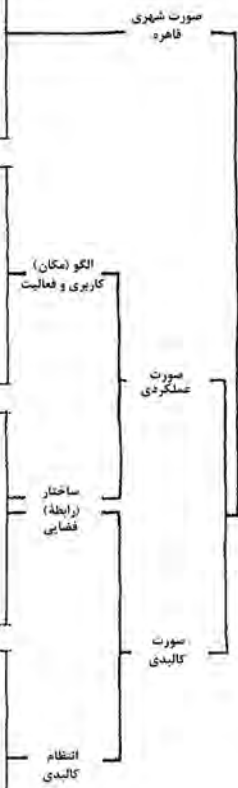
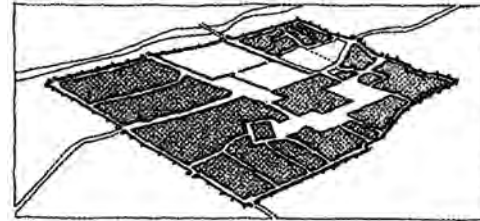
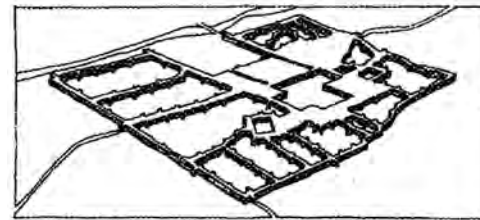
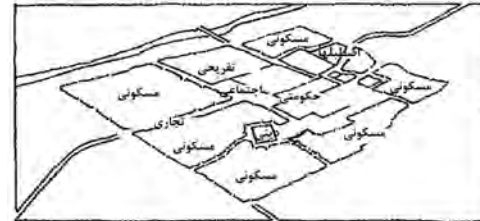
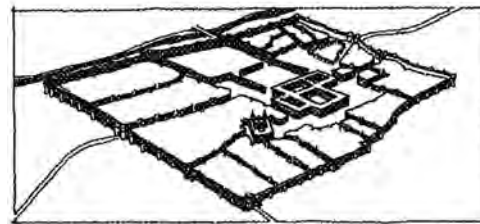
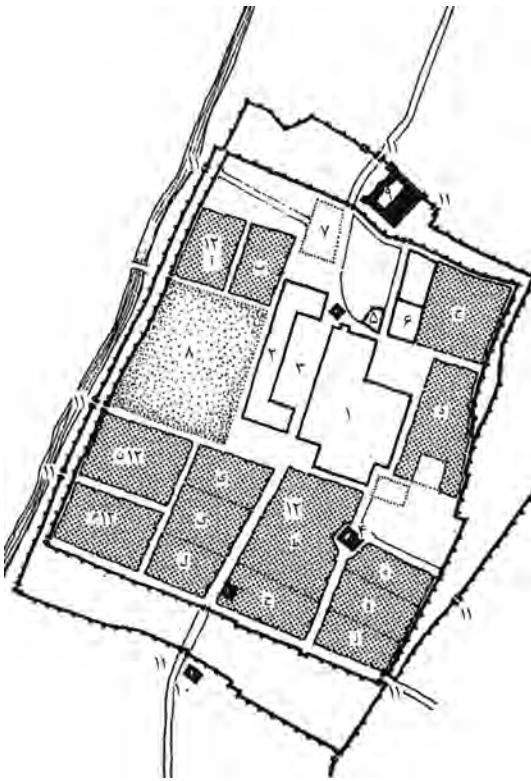
بنا بر این، چنین می‌نماید که تصویر کلی شهر اصلی المعز با شبکه منظمی از خیابانهای عریض و میدانهای باز وسیع منطبق باشد که با تصویر کلیشه‌ای شهر اسلامی بسیار متفاوت است (ت ۱۴ و ۱۵). بینش المعز قاهره را به وجود آورد ولی او آن‌قدر زنده نماند که از آن لذت ببرد. پسرش العزیز[بالله] به خلافت رسید، و از آنجا که سازنده بزرگی بود، در دوران سلطنت بیست‌ساله‌اش، چندین بنای مهم به قاهره اضافه کرد. اولی، کاخ کوچک غربی (که با عنوان قصرالبحر نیز شناخته می‌شود)، برای شهر اهمیت بسیاری داشت؛ زیرا میدان مرکزی شهر را مشخص و آن را از باغهای متعلق به خلیفه جدا می‌کرد. دومی، مسجد انور، که بعدها مسجد حکیم نامیده شد، از ابتدا مسجد خطبه در نظر گرفته شد تا نمازهای جمعه و عید در آن اقامه شود. اهمیت شهری این مسجد، که بیرون باب الفتوح ساخته شد، این است که اولین مسجد فاطمی بود که قرار بود خارج از باروی شهر ساخته شود. در ساخت آن از مصالح به دست آمده از یک بنای مصر باستان استفاده شد؛ همچنین متضمن تغییری در الگوی سخنرانی دینی در قاهره بود. برای اولین بار خطبه جمعه را در بیش از یک مسجد خواندند: خطبه سنی‌مذهبان در مسجد عمرو شهر فسطاط، و در همان زمان، خطبه



رحبه‌ای از کاخ جدا می‌شد. مقریزی می‌گوید که ساخت این مسجد در سال [۳۵۹ق/] ۹۷۰م آغاز شد و سه سال بعد به پایان رسید. خلیفه المعز اولین نماز جمعه را امامت و خطبه^{۱۲} را در عید فطر^{۱۳} سال [۳۶۲ق/] ۹۷۲م ایراد کرد.

حاره‌ها یا محله‌های مسکونی قاهره در محیط بیرونی آن قرار داشت؛ اگرچه مقیاس ساخت در این مکان با مرکز شهر بسیار متفاوت بود. در اصل ۲۰ حاره وجود داشت که هر کدام به یکی از قبایل تشکیل‌دهنده لشکر فاطمیان اختصاص داشت. تعادل میان این قبایل و نمودشان در دولت فاطمی قاهره برای موجودیت شهری قاهره اهمیت اساسی داشت. بر خلاف شهرهای نظامی قدیم که از قبایلی تشکیل شده بود که اکثراً از عربستان آمده بودند، قبایل هم‌سنخ در قاهره زندگی نمی‌کردند. وجود نظم شهری به مدد نظامی بود که به قبایل مختلف سهمی در دولت می‌داد.

بعید است که قسمت اصلی شهر، که مکانی خصوصی و شاهانه بود، دارای بازار بوده باشد؛ در هیچ‌یک از



تعداد دکانهای شهر از ۲۰۰۰۰ تجاوز می‌کرد و همه نوع فعالیت تجاری را شامل می‌شد. همه دکانها از آن خلیفه بود و آنها را اجاره می‌دادند؛ و بیشتر مستأجران دکانها هر روز از فسطاط برای کار آمدوشد می‌کردند. هیچ کس به جز خلیفه اجازه تملک املاک تجاری یا مسکونی را در قاهره نداشت.

قبل از پایان حکومت فاطمیان، شهرهای قاهره و فسطاط در کنار هم به حیات خود ادامه می‌دادند و به صورت مرکز شهری واحدی عمل می‌کردند که پایتخت حقیقی خلافت فاطمیان و مهم‌ترین شهر اسلامی در قرون میانه بود. الگوی منظم شهر طراحی شده بعدها شروع به از هم پاشیدگی کرد و به همسایه قدیمی‌اش فسطاط شباهت یافت (ت ۱۶ و ۱۷).

نتیجه

یافته‌های این تحقیق بسیار مفید و ابزار استفاده شده برای رسیدن به آن ضروری است. ترسیم نقشه صور کالبدی شهرها در مراحل مختلف رشدشان لمحای است از چگونگی تجربه زیستن در این شهرها. همچنین فرصتی برای درک و فهم دلایل برخی تصمیمات شهری فراهم

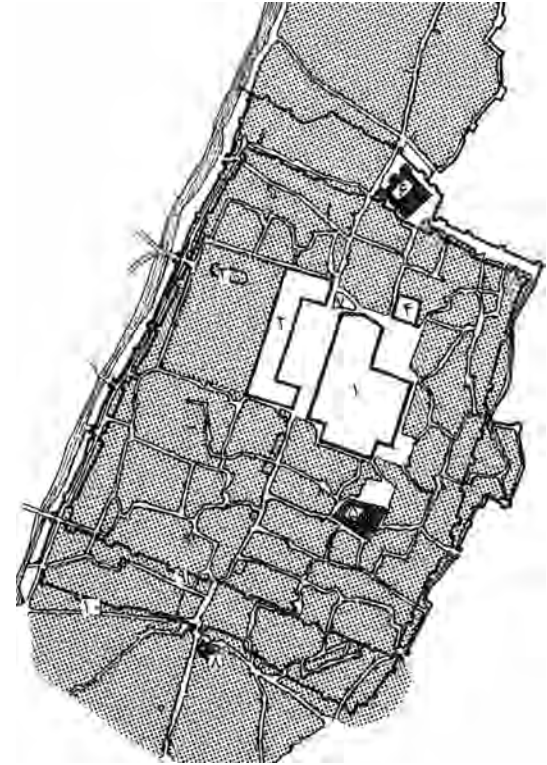
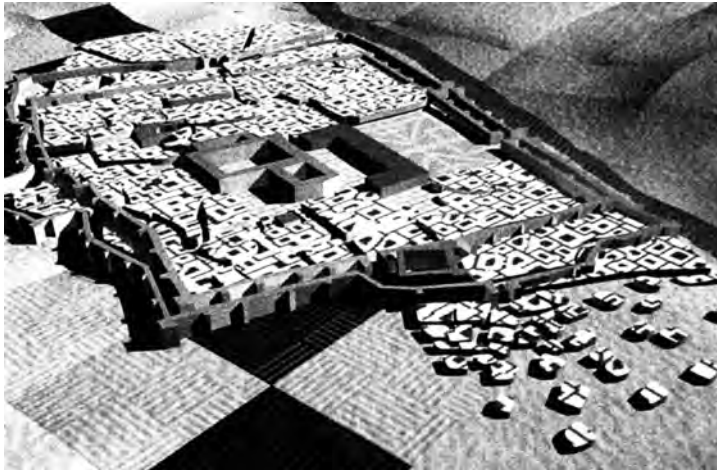
شیعیان در مسجد حکیم ایراد می‌شد.

هنگامی که بدرالجمالی، حاکم فاطمی شام، را در سال [۴۶۱ق/ ۱۰۶۸م] برای بر عهده گرفتن وزارت فراخواندند، او صورت ظاهر قاهره را نو کرد. او با ساختن بارویی سنگی و تعدادی دروازه جدید و همچنین از میان برداشتن بناهایی که در بیرون دیوار قرار داشت، به شهر وسعت بخشید. برای اولین بار به قاهره ظاهر شهر قلعه داده شد؛ دستاوردی که اساساً با استفاده از سنگ بازیافته از معابد مصر باستان هم‌جوار، و با آوردن سازندگان ماهر استحکامات از بیژانس حاصل شد.

در دوران شکوفایی فاطمیان، قاهره شهری باشکوه بود. اگرچه نقشه اولیه این بود که قاهره به صورت محوطه‌ای وسیع و مجلل از بناها درآید؛ به سرعت به مرکز شهری تمام‌عیاری بدل شد. سیاح ایرانی، ناصر خسرو، که در [۴۳۹-۴۴۲ق/ ۱۰۴۷ تا ۱۰۵۰م] در این شهر اقامت داشت، شرحی مختصر از ابعاد کسب و تجارت داده است:

صوره بویه، ب سمیع دارالخلافه از پیرامونش به واسطه محوطه باز که در این نقشه پیداست (بر طبق قول مقریزی) ۱) کاخ شرقی بزرگ، ۲) کاخ غربی کوچک، ۳) میدان کاخ، ۴) مسجد الازهر، ۵) دارالضیافه، ۶) سرای وزیر، ۷) اصطبلها، ۸) باغ کافوری، ۹) مسجد الحکیم، ۱۰) مسجد، ۱۱) دروازه‌ها، ۱۲) محله‌های مسکونی: الف) فرحیه، ب) برگوئان، ج) قطفویه، د) برقیه، ه) کوبینه، و) طوارق، ز) شرابیه، ح) یونانی، ط) دیلم، ی) عمره، ک) جداریه، ل) زبیله، م) محمودیه، ن) عذریه

ت ۱۵. (راست) تحلیل صورت شهری قاهره در دوره فاطمیان



کتاب‌نامه

- ت ۱۶. (راست) قاهره
در ابتدای حکومت
ایوبیان
۱) کاخ شرقی خلافت
۲) کاخ غربی
۳) اصطبلها
۴) کاخ وزیر
۵) مسجد الأزهر
۶) مسجد حکیم
۷) مسجد اقمار
۸) مسجد صالح
۹) دیوار و دروازه‌های
قدیمی
۱۰) دیوار و دروازه‌های
جدید
ت ۱۷. (چپ) بازسازی
رایانهای قاهره در
ابتدای حکومت ایوبیان
- ابن تغری بردی الاتابکی. *النجوم الزاهرة في ملوک مصر والقاهرة*،
دارالکتب مصر.
ابن عساکر. *تاریخ مدینة دمشق*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
بلاذری. *فتوح البلدان*، بیروت، دار و مکتبة الهلال، ۱۹۸۸م.
مقریزی. *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار*، بیروت، دارالکتب
العلمیة، ۱۴۱۸ق.
باسورث، ا.ک. *سلسله‌های اسلامی جدید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، مرکز
باستانشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.
بغدادی، صفی‌الدین عبدالحق. *مرصد الاطلاع عن اسماء الامکنة والبقاع*،
بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲ق.
یاقوت حموی. *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م.

AlSsayyad, Nezar. *Cities and Caliphs: On the Genesis of Arab Muslim Urbanism*, New York, Greenwood Press, 1991.

Al-Sayyad, Nezar. "Modelling Traditional Islamic Cities" in: *MIMAR: Architecture in Development*, no. 43, London, Concept Media Ltd, 1992.

پی‌نوشتها:

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Nezar Al-Sayyad, "Modelling Traditional Islamic Cities" in: *MIMAR: Architecture in Development*, no. 43 (1992), pp. 26-33.

۲. آگورا در شهرهای یونان باستان فضایی روباز و محل برگزاری فعالیت مختلف اجتماعی بود. — و.

۳. دکومانوس در شهرسازی رومی خیابانی است که امتداد شرقی- غربی دارد. — و.

می‌کند. صورت شهرهایی مانند دمشق و قاهره نه تنها بازتابی از هنجارهای اجتماعی و قانونی بود؛ بلکه حاصل ادغام عمل فردی [شهروندان] با اراده و قدرت [حکومت] بود.

فهم صحیح و کامل تاریخ شهرهای اسلامی نیازمند ایجاد پایگاه اطلاعات تاریخی است که با تصویر همراه باشد. ثابت شده است که شبیه‌سازیهای رایانه‌ای سازوکارهایی بسیار مؤثر در تحلیل تاریخ صورت شهری است: امکان الحاق بصری یافته‌های جدید متنی و معمارانه و باستان‌شناسانه را فراهم می‌کند؛ می‌توان از آنها چون ابزاری برای اجرای برنامه‌های حفاظت تاریخی استفاده کرد؛ در ایجاد تصاویر متحرک برای اهداف آموزشی مفید است و قابلیت آنها چون ابزاری برای طراحی در محله‌ها و محوطه‌های تاریخی آشکار است.

بای جدید برای طراحان مورخان علاقه‌مند به تاریخ صورت شهر در حال گشایش است که قابلیت‌های آن بی حد و مرز می‌نماید. □

۴. محوطه‌ای (میدانگاه) در مرکز شهرهای روم باستان که به واسطه فعالیت‌های متنوع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی که در آن انجام می‌شد، اهمیت فوق‌العاده داشت و طرح کلی آن از آگورای یونانی اقتباس شده بود. — و.

۵. ضبط یا قوت در معجم البلدان، ج ۲، ص ۹۱: «و باب الجابیة بدمشق منسوب الی هذا الموضع...» — و.

۶. ضبط مرصد الاطلاع، ج ۱، ص ۱۴۳: «باب توما بضم التاء: احد ابواب دمشق...» — و.

۷. ظاهراً مأخذ مؤلف فتوح البلدان بلاذری است. اما در آنجا سخنی از رؤیت عهدنامه مذکور به چشم واقدی نرفته است. در ضمن، بلاذری در سخن منقول خود از واقدی چیزی از جزئیات عهدنامه نمی‌گوید و فقط می‌نویسد: «... بل نزل [خالد] بباب الجابیة، فأخرج الیه اسقف دمشق نزلاً و خدمة فقال: احفظ لی هذا العهد فوعده بذلك، ثم سار خالد...» و فقط در باب فتح بصره به دست خالد است که سخنی از شرایط عهدنامه می‌رود. شاید مؤلف این دو را خلط کرده باشد؛ به‌خصوص که بلاذری نوشته است: «لأنها [بصره] من دمشق...» نک: بلاذری، ص ۱۱۵ و ۱۱۶. — و.

۸. در یونان باستان، قطعه زمینی بود که وقف شاهان یا فرماندهان می‌شد؛ یا زمینی که به منزله مکانی مقدس وقف درگاه خداوند می‌شد.

۹. اما سخن ابن عساکر این است: «... فقال له معاوية كيف تری هذا البنيان. قال: أما اعلاه فللعصافير، و أما أسفله فللقار. قال فنقضها معاوية و بناها بالحجارة.» اولاً آن قسمت منقول از سفیر روم که گفته است: «این کاخ نیست» در روایت ابن عساکر دیده نمی‌شود و ظاهراً برداشت الصیاد از ماجراست؛ ثانیاً به نظر می‌رسد الصیاد «فار» را «نار» خوانده باشد و فار به معنی موش با سیاق عبارت هم بیشتر می‌خواند: «و اما بالای آن برای کنجشکان و پایین آن مناسب موشان است.» نک: ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۲، ص ۳۵۹. — و.

۱۰. اگرچه در متن انگلیسی لغت envoy آمده است، که معادل وزیرمختار و سفیر است؛ در متون تاریخی دست اول عربی منصب جوهر «قائد» لشکر ذکر شده است که معادل فارسی آن «سردار» است. نک: ابن تغری بردی الاتابکی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۴، ص ۲۸. — و.

۱۱. آل اخشید خاندانی از امرای ایرانی نژاد بودند که بین سالهای ۳۲۳ تا ۳۵۸ ق در مصر و شام و حرمین حکم می‌راندند؛ نک: ا.ک. باسورث، سلسله‌های اسلامی جدید، ج ۱، ص ۱۳۷. — و.

۱۲. مقریزی می‌گوید خطبه و سیاق عبارت هم مؤید همین کلام است و لغت خطبه khutah ظاهراً غلط چاپی است. اما اصل کلام مقریزی: «[...] و دخل الی القاهرة [...] و ذلك لسبع خلون من رمضان سنه اثنتين و ستين و ثلثمائة، فعند ادخل القصر صلي ركعتين [...] ثم أصبح فجلس للهناء [...] و صلي بالناس صلاة عيد فطر في المصلي [...] ثم خطب بعد الصلاة...» نک: المقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۲، ص ۱۹۰. و سخن از دو نماز است: اولی که دو رکعت به هنگام ورود به قصر خویش در روز جمعه از ماه رمضان به‌جای آورده و دومی نماز عید فطر که فردای آن روز بوده و در مصلا گزارده شده است. — و.

۱۳. بنا بر روایت مقریزی، این خطبه یا بعد از نماز عید فطر ایراد شده است یا قبل از نماز آخرین جمعه ماه مبارک رمضان. در حالی که مؤلف مقاله حاضر در متن اصلی، اولین جمعه ماه رمضان را روز خطبه خواندن دانسته است. — و.